

در حاشیه‌ی ترور پاریس و مصادره‌ی معنای آن به سود قدرت‌ها

بهروز صفدری

در نیمیلی که امروز از راثول دریافت کردم این جمله را خواندم:
«ویلم و ژان بورگینیون چیزی را بیان می‌کنند که بیانگر احساس فقط
من تنها نیست. منی که نه فرانسوی‌ام، نه جمهوری‌خواه، نه شهروند، نه شارلی.
انگشت‌شمارند صداهایی که زبان حال آن‌چه ما هستیم باشند، یعنی انسان‌هایی
که برای زندگی مبارزه می‌کنند، حال آن‌که وحدت واقعی موافقان و مخالفان،
حزب بهره‌کشیِ تعمیم‌یافته، حزب تخریبِ سودآور و مرگ است.»

من هم این جمله را سرلوحه‌ی یادداشتی می‌کنم که در حاشیه‌ی تظاهرات
امروز در فرانسه نوشته‌ام:

امروز صبح از رادیو لیبرتر (رادیو فدراسیون آنارشیستی، رادیو کوچکی که
روی موج اف ام در پاریس و از طریق اینترنت نیز پخش می‌شود) شنیدم که
دو نفر از همکاران شارلی ابدو یعنی ویلم Willem و لوز Luz از هیاهوی
دولتی که برای مصادره به مطلوب کردن حوادث اخیر به راه افتاده به شدت
انتقاد کرده‌اند. بعد از ظهر، همزمان با پخش گسترده‌ی اخبار این تظاهرات
از رسانه‌های فرانسوی و بین‌المللی، نگاهی انداختم به خبرهایی مربوط به

این گونه مواضع انتقادی، و خلاصه‌ای از این خبرها را در اختیار شما می‌گذارم. بخشی از این خبرها در بخش آنلاین روزنامه‌ی لوموند آمده است:

ژرار بیار Gerard Biard سردبیر شارلی ابدو می‌گوید: «خواب‌اش را هم نمی‌دیدیم که روزی ناقوس کلیسای نوتردام به یاد شارلی ابدو نواخته شود».

تعدادی از دست‌اندرکارانِ تحریریه‌ی شارلی ابدو از این اعلام همبستگی پرسروصدا با روزنامه‌ای که تا همین چندی پیش حامیانِ انگشت‌شماری داشت، با تلخی و مرارت یاد می‌کنند. یکی از همکاران تحریریه‌ی شارلی ابدو، به نام زینب الرهازویی، به روزنامه‌ی لوموند گفته است: «ای کاش آنهایی که حالا دیگر مرده‌اند تا وقتی زنده بودند از چنین حمایتی برخوردار می‌شدند. حال آن‌که اصلاً چنین نبود. همه شارلی ابدو را هو می‌کردند. انتظارش می‌رفت که چنین اتفاقی بیفتد. مدام تهدیدمان می‌کردند. و بعضی به ما می‌گفتند "تقصیر خودتان است"».

تعداد دیگری از همکاران شارلی ابدو تصمیم گرفته‌اند اصلاً در تظاهرات امروز شرکت نکنند. یکی از آن‌ها لوران لژه است که می‌گوید: «شارلی ابدو می‌تواند در این تظاهرات غایب باشد، تظاهراتی که رهبران سیاسی از همه قماش در آن شرکت می‌کنند و بر سر نحوه‌ی برگزاری‌اش با مارین لوپن جر و بحث می‌شود. با این حال، جنبش همبستگی‌ای که ایجاد شده عالی است و امیدوارم خیلی‌ها روز یکشنبه در آن شرکت کنند. شارلی ابدو همیشه با بقیه فرق داشت و در حاشیه بود. حالا شارلی به یک mainstream (جریانِ شدیدِ بابِ روز) تبدیل شده. تا یکی دو هفته‌ی دیگر تبدیل به یک نهاد رسمی می‌شود. که این دیگر تازه و بی‌سابقه است. ولی تا چند هفته‌ی دیگر آب این خبر هم از آسیاب خواهد افتاد و جایش را به اخبار دیگری خواهد داد و ما تنها خواهیم ماند».

لوز Luz در مصاحبه‌ای با نشریه‌ی Inroks که در سایت مطبوعاتی

نسبتاً مستقل mediapart منتشر شده از تردیدها، هراس و خشم خود در این باره می‌گوید. او که به یمنِ مصادف‌شدن سالروز تولدش با روز حادثه و نبودن در جلسه توانسته جان سالم به در ببرد، می‌گوید: «بارِ نمادینِ فعلی درست همان چیزی است که شارلی همیشه علیه‌اش فعالیت می‌کرده است. هر کسی با نمادها هر کاری می‌تواند بکند. حتا پوتین هم می‌تواند با کبوتر صلح موافق باشد. اما موضوع درست همین است که با طرح‌های شارلی هر کاری نمی‌توان کرد. وقتی تاریک‌اندیشی‌ها را به‌دقت دست می‌اندازیم، وقتی رویکردهای سیاسی را مسخره می‌کنیم، دیگر در حیطه‌ی نماد نیستیم [...] خیلی عالی است که از ما دفاع می‌کنند اما ماجرا به صورت تحریف و خلافِ معنای کاریکاتورهای شارلی ابدو در آمده است. این همصدایی و اتفاقِ آرا به سودِ فرانسوا هولاند است که می‌خواهد ملت را به هم بچسباند، به سود مارین لوپن است که می‌خواهد دوباره مجازاتِ اعدام را برقرار سازد. همه از گرامیداشتِ یادِ شارب، تی‌نیوس، اُنُوره، وُلینسکی حرف می‌زنند. ولی آنها اگر بودند می‌ریدند به چنین برخوردهایی».

طراح هلندی برنارد هول‌تروپ که با نام مستعار وی‌لم Willem با شارلی ابدو کار می‌کند و به یمنِ عدم علاقه‌اش به شرکت در جلساتِ تحریریه در روزهای چهارشنبه، توانسته از ماجرا جان سالم به در برد، در واکنش به حمایتِ گرت ویلدرس (رهبر دست راستی‌های افراطی در هلند) از شارلی ابدو می‌گوید: «ما استفراغ‌مان را بر سر و روی کسانی می‌ریزیم که به طور ناگهانی خود را دوستانِ ما می‌خوانند.» سپس ادامه می‌دهد: «این‌ها هرگز شارلی ابدو را ندیده بودند. چند سال پیش هزاران نفر در پاکستان برای تظاهرات علیه ما به خیابان ریختند بی‌آن‌که اصلاً بدانند شارلی ابدو چیست. حالا همان قضیه است منتها برعکس. ولی به‌هر حال اگر مردم برای دفاع از آزادی کلام تظاهرات می‌کنند، طبیعتاً اقدام خوبی است.»

در کنار این گونه واکنش‌ها از سوی دست‌اندرکارانِ مستقیم فکاهی‌نامه‌ی شارلی، افراد و جریان‌های مستقل و به‌ویژه گرایش‌های لیبرتر و آنارشیستی در فرانسه، در چند روز اخیر به تحلیل نقادانه از برگزاری راه‌پیمایی یکشنبه پرداخته‌اند.

سندی‌کای CNT (کنفدراسیونِ ملیِ کار)، شاخه‌ی پادکاله در شمال فرانسه، با انتشار اعلامیه‌ای ضمن برشمردنِ اسامی سران و سرکرده‌های سیاسیِ شرکت‌کننده در تظاهرات امروز، می‌نویسد: «هولاند و والس، که به علتِ وضعیتِ مصیبت‌بارِ اجتماعی از دیدگاه مردم یکسره بی‌اعتبار شده‌اند، در پیِ آن‌اند که از این راه رنگ و لعابی به حیثیتِ خود بدهند. اما این تنها هدف‌شان نیست. آن‌ها در پوششِ وحدتِ ملی (که پوشش بسیار مؤثری برای پنهان کردن اختلافِ منافع طبقاتی است) امیدوارند قدرتِ تهاجمی‌شان علیه زحمت‌کشان (این‌جا در فرانسه) را دوچندان کرده و سیاستِ امپریالیستی‌شان را (در عراق، مالی و جاهای دیگر) تشدید کنند. دامنه‌ی مصادره‌ی این واقعه چنان ابعادِ بی‌سابقه‌ای یافته که تألم و ناراحتی دیگران را برانگیخته است، یعنی کسانی که غم و خشمِ خود را به طور خودانگیخته در تظاهراتِ چند روز گذشته بیان کرده‌اند.»

سپس همین اعلامیه خواهان جلسه‌ی تبادل نظر برای سازماندهیِ گردهمایی‌هایی شده است که در آن‌ها بتوان هم ترورها و هم ترفندِ دولت را توأمان محکوم کرد.

نکته‌ی دیگر این که بر روی همین اعلامیه طرح کاریکاتوری نقش بسته که کار ژان بورگینیون، از دوستان و همکاران شارلی ابدو، است و نوعی مضمون‌ربایی یا دخل و تصرف در همان کاریکاتور معروفی است که چند سال پیش چاپ آن در شارلی ابدو جنجال برانگیخت. زیر آن کاریکاتور نوشته

شده بود : «محمد از دستِ تروریست‌ها کلافه شده است» و «چقدر سخت است که مشنگ‌ها آدم را دوست داشته باشند». ژان بورگینیون همین جمله را زیر کاریکاتوری و از زبانِ کابو (که در ترور اخیر کشته شد) گذاشته است، در ضمن در گوشه‌ی دیگر زیر کاریکاتورِ وُلینسکی (که او نیز کشته شد) نوشته شده: «دعا! سرودِ ملیِ ماریسی‌یز!» ، و «آن‌هم برای ما!!»